

ایتلاف و اختلاف در سیاست

ماجرای تقلب در انتخابات

مخالف سیاسی در نظام دموکراسی:

مخالف سیاسی بطور عام از نگاه جامعه شناسی شامل اتحادیه ها، گروه ها، حلقه ها و افرادی میشوند که خواستار به حقیقت پیوستن اهدافی میباشند که در مخالفت با اهداف سیاسی، اقتصادی و اوتوریته اجتماعی حاملان قدرت قرار دارد. اینکه مخالفین، مخالفت و مبارزه خود را از طریق پارلمان و یا با استفاده از شیوه های دیگری به پیش میبرند بکلی بی تفاوت است. اما مخالفت سیاسی بصورت مشخص در یک نظام دموکراسی پارلمانی استوار بر مبنای یک قانون اساسی و موجودیت فراکسیونهای حزبی، شامل آن بخشی میشود که نه در حکومت شامل هستند و نه حکومت مورد حمایت شان است، اما هر دو طرف خود را مکلف وفاداری به قانون اساسی میدانند.¹ در اینصورت هم حاملین قدرت و هم جناح مخالف برای دورنمای آینده کشور با وفاداری به قوانین موضوعه دارای برنامه های مشخص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده و هر کدام تلاش میکنند تا بهتر بودن برنامه خود را در مقایسه با همدیگر بمردم ارایه نموده و رای اعتماد مردم را برای رسیدن به قدرت، بدست آورند.

در کشور های که نظام های دموکراسی و پارلمانی هنوز در مراحل اولی خود قرار داشته و فرآیند تکاملی معینی را طی نکرده، شکنندگی و آسیب پذیری این نظام بیشتر بوده و خطرات متعددی آنرا تهدید میکند. یکی از خطرات اساسی ضعف نیرو های اجتماعیست که بتوانند حامی و نگهبان ارزشهای دموکراسی در مقابل نیرو های سنتگرا باشند. بخاطر عقب ماندگی اقتصادی در بسیاری از این کشور ها مرز های دقیقی میان گروه های اجتماعی و خواسته های سیاسی-اجتماعی آنها وجود نداشته، روابط قومی، مذهبی، منطوقی و حتی فردی نقش براننده تری در سرنوشت سیاسی این کشور ها بازی میکنند تا برنامه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. با در نظر داشت این واقعیت اختلاف ها و ایتلاف های سیاسی نیز در پرتو همین واقعیت باید ارزیابی گردد. دموکراسی ها در این کشور ها که نه ناشی از تکامل و تعاملات اجتماعی در داخل آنها بلکه یک پدیده به عاریت گرفته شده از نظامهای دموکراسی غربیست، در زمینه تطبیق در این کشور ها، توأم به مشکلات و افت و خیز هاست. بخصوص در سیستم های ریاستی و نبود فراکسیونهای روشن حزبی (که در حال حاضر در کشور ما هم همین سیستم در قانون اساسی ما مسجل است) این در همی و بر همی پیچیدگی نظام را بیشتر ساخته و در بسیاری از کشور ها حتی شکل نظامهای موروثی خانوادگی و دیکتاتوری را بخود گرفته است. حتی در کشور پیشرفته ای مانند ایالات متحده امریکا که دارای نظام سیاسی ریاستی است، فراکسیونهای حزبی بعنوان

¹ Opposition: In Fischer Lexikon, Staat und Politik, Herausgeber : Ernst Fraenkel und Karl Dietrich Bracher Fischer Verlag Hamburg 1972, S.226

یک ساختار قبول شده در قانون اساسی آن کشور تکامل لازم را نکرده و دسپلین فراکسیونی وجود ندارد.²

کشور ما هم شامل آن گروه کشور هایی میباشد که یک نظام نیم بند دموکراسی ریاستی در کنفرانس بن مطابق الگوی نیمه امریکایی بر آن تحمیل گردید. بعد از تدوین قانون اساسی و گذشت دوره انتقالی رییس جمهور کرزی، انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری صورت گرفت. اما نمایندگان «انتخابی» نه به عنوان اعضای حزبها بلکه بعنوان افراد به عضویت پارلمان انتخاب شدند و تا هنوز هم با گذشت دو دوره انتخاباتی افراد وابسته به احزاب، فعالیت رسمی بنام حزب مربوط خود را نداشته و تنها در مواقع خاص مانند زمان انتخابات ریاست جمهوری، تدوین بعضی قوانین و بعضی فیصله ها، وارد ائتلاف های تاکتیکی موقتی و شکنند میشوند. بدینصورت این افراد با حضور غیر حزبی در پارلمان از کدام برنامه دقیق سیاسی پیروی نکرده و وفاداری آنها نسبت به حزب شان در درون پارلمان و ائتلاف ها نیز مربوط به ذوق، سلیقه، مصلحت های شخصی آنها و منافع آنی بوده و در بازی قدرت در حال نوسان میباشند. هم پیمانان دیروز مخالفین امروز اند و شرکای امروز مخالفین فردا. بخصوص در «حزب جمعیت اسلامی» این نوسانات بوضاحت متباز است. با در نظر داشت این واقعیت بمشکل میتوانیم در پارلمان افغانستان از حضور یک فراکسیون دقیق پارلمانی بعنوان فراکسیون مخالف حکومت حرف بزنیم. کرزی در سالهای حکومت داری خود با استفاده از همین حالت با وعده وعید و با رشوه های مادی و سیاسی به آسانی موفق میشد برای خواسته های خود همیشه هم پیمانان جدید را در پارلمان و حکومت برای خود سرهم بندی کرده و یا اکثریت پارلمانی را به نفع برنامه های خود بدست آورده و بر بحران حاضر و احتمالی حکومت فایق گردد.

در بیرون از پارلمان هم مرز ها میان مخالفین و موافقین با حکومت و دولت در هم و برهم است. اعضای گروه ها و احزاب مختلف برخاسته از زمان جنگ ضد شوروی همه کرسی مهم دولت و حکومت را اشغال کرده و تنها افراد مشخصی اند که در مخالفت با حکومت قرار دارند آنها بخاطریکه پست مورد نظر برای شان داده نشده و یا مقامی کمتر از مقام چوکی ریاست جمهوری مورد نظر شان نیست. مارشال فهیم بعنوان فرد تا زمانی مخاف حکومت بود که پست معاون اول را اشغال کرد و احمد ضیا مسعود زمانی به مخالف حکومت تبدیل شد که از این پست برکنار شد. عبدالله عبدالله زمانی به مخالف حکومت تبدیل شد که پست وزارت خارجه به او داده نشد.

ایتلاف سیاسی:

ایتلاف سیاسی هم در کل میتواند شامل اتحادیه ها، گروه ها و افراد گردد تا اهداف مشخصی خود را تعقیب نمایند. مثلاً در شرایطی که منافع ملی یک کشور در خطر باشد و یا حل یک بحران عمیق اجتماعی که نسبت به برنامه ها و اهداف حزبی رجحان داشته باشد، میتوانند زمینه ایجاد یک ائتلاف بزرگ ملی همه نیرو های سیاسی - اجتماعی را مساعد سازد، اما بصورت خاص در یک نظام سیاسی پارلمانی با موجودیت فراکسیونهای مختلف حزبی در درون پارلمان، و بدست نیابردن اکثریت از جانب یک فراکسیون حزبی، فراکسیونها میتوانند برای تشکیل یک حکومت اکثریت با یک دو و یا اضافتر از دو حزب بر مبنای یک قرارداد ایتلافی با همدیگر، به موافقه رسیده و حکومت را تشکیل بدهند. اما چنانکه دیده میشود در نظام ریاستی نوع امریکایی و هم چنان فرانسوی بعنوان نمونه های

بارز، چنین ایتلافی وجود ندارد چون رییس جمهور که بصورت مستقیم از طرف مردم انتخاب میشود، از صلاحیتهای برخوردار است که ضرورت چنین ایتلافی را مرفوع میسازد.

ایتلاف در نظام سیاسی افغانستان

چگونگی ترکیب دولت بعد از ۲۰۰۲

در نظام نیم بند ریاستی افغانستان اولین حکومت دوره انتقالی کرزی بر مبنای یک تلاف تخنیکی - سیاسی میان گروه های موثله کابل، پشاور، قبرس و روم بدون خط کشی دقیق سیاسی ایجاد گردید. بعد از تدوین قانون اساسی بعضی از این گروه ها که کمترین احترامی به منشور ملل متحد، دموکراسی، حقوق بشر و ... نداشتند با اجبار و کراهت آنرا قبول کردند اما هیچگونه وفاداری به آن از خود نشان ندادند و فقط فشار و حضور نیرو های خارجی بود که آنها مهر خاموشی بر لب زده بودند. در دور اول حکومت انتخابی کرزی و همچنان دور دوم، این ایتلاف یا مشارکت معیوب و شکنند همچنان ادامه پیدا کرد اما کرزی با زرنگی خاص خودش و ماندن کلاه احمد بر سر محمود و برعکس آن از این ایتلاف به اشکال مختلف برای تثبیت موقعیت خود استفاده کرد. در مقابل یک تعداد از افراد نیرو های موثله با استفاده از داشتن کرسی های بلند دولتی با چاپیدن پولهای جامعه بین المللی (از طریق شرکتهای خصوصی امنیتی، گرفتن امتیازات انحصاری در بخشهای مختلف اقتصادی) غصب جایگاه های مردم و دولت و همچنان دست داشتن در قاچاق مواد مخدر، موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را چنان تثبیت کردند که هم حکومت کرزی و هم حکومتهای بعدی باید از آنها حساب ببرد و در صورت نرسیدن به توافق آنها قادرند، دولت را به مشکلات جدی مواجه سازند. این ادعای آقای قانونی در مصاحبه با آقای اندیشمند که کرزی در مرحله اول با مجاهدین سازش کرد و در مرحله دوم موقف مجاهدین را در حکومت تضعیف و در مرحله سوم مجاهدین را حذف کرد،³ ممکن در مورد شخص آقای قانونی و عبدالله عبدالله درست باشد که پست های وزارت خود را از دست دادند اما در کل نفوذ مجاهدین در دستگاه دولت، پارلمان، سنا، ارگانهای حکومتی و قضایی نتنها حذف نشد بلکه در دوره دوم تقویت شد. اینکه در میان مجاهدین، ضعف و تشدد و آجندا های متفاوت وجود داشت،⁴ معضله خود آنها بود و بهتر از این هم نمیتوانست باشد، وقایع دهه نود و بخاک و خون کشانیدن کابل و بالاخره شکست در برابر طالبان، ناشی از همین ضعف و تشدد و موجودیت آجندا های متفاوت شان بود. اما با در نظر داشت واقعیتها که شامل ترکیب کابینه، تقسیم ولایتها و تقسیم کرسی ها در سایر ارگانهای دولتی چون ارگانهای عدلی و قضایی و همچنان دستگاه های تعیین کننده حکومت بخصوص ارگانهای امنیتی نمیتوان از حذف مجاهدین صحبت کرد. نفوذ دولتی، قدرت نظامی و استفاده از زور و پول در جریان انتخابات پارلمانی به تعداد زیاد از جنگ سالاران شانس گرفتن کرسی های پارلمان را مساعد ساخت. وکیلان با استفاده از مقام وکالت در موقعیت های مختلف اعضای حکومت را تحت فشار قرار داده (میدهند) تا مطابق خواست آنها عمل نمایند در غیر آن از طریق پارلمان از آنها سلب اعتماد میگردد.

بهر صورت آنچه از جنوری ۲۰۰۲ تا امروز بنام حکومت بر گرده مردم افغانستان سنگینی میکند یک حکومت ایتلافی و مشارکتیست (بگفته بعضی ها شرکت سهامی) مشتمل از الیگارش برخواستی از جنگ و تکنوکراتهای از غرب آمده که اشتراک منافع آنها، کارتل قدرت حکومت موجود و همچنان حکومت آینده را خواهد ساخت. بی تفاوت که کدام یک از دوفرد از کاندید های موجود برنده میدان

سایت گفتمان ۴ جولای ۲۰۱۴: محمد اکرام اندیشمند، پس لرزه های انتخابات و بی تفاوتی کرزی ۳

همانجا ۴

انتخابات می‌گردد. آنها خواسته یا ناخواسته باید خواسته های موفتین خود را مانند کرزی در نظر بگیرند، در غیر آن حکومتداری برای شان مشکل است و با یک نظر اجمالی میتوان گفت که در ترکیب ایتلاف رییس جمهور کرزی و رییس جمهور بعدی کدام تغییر اساسی ایجاد نخواهد شد. بخصوص که حتی اعضای خانواده ها در میان ایتلاف دو کاندید تقسیم شده اند. مسعود ها، کرزی ها. همچنان احزاب واحد شاخه های سیاسی خود را میان ایتلاف دو کاندید رقیب تقسیم نموده اند، تا بهر صورتی پای شان از طریق افراد شان در قدرت داخل باشد. اینکه اشرف غنی تکنوکرات و یا عبدالله عبدالله مجاهد قادر خواهند بود خود را از این لانه عنکبوت مستقل سازد، بعید به نظر میرسد.

ماجرای تقلب در انتخابات

با وجود تداوم این ایتلاف، اختلاف و مبارزه برای گرفتن رهبری میان جناح های مختلف کارتل قدرت در یک جامعه جنگ زده، پارچه پارچه با ترکیب قومی و مذهبی نا متجانس و از نگاه اقتصادی بشدت عقب مانده مانند افغانستان، امر بسیار طبیعیست. اما آنچه در این کشمکش سیاسی مهم است چگونگی مراعات قوانین بازیست. در کشور های مانند کشور ما بازیگران سیاسی کمتر قوانین این بازی را مراعات کرده و برای دست یافتن به رأس قدرت از هر وسیله ای قانونی و غیر قانونی استفاده میکنند. در جریان انتخابات اگر شخص کاندید ها که از تجربه نسبی بهتر سیاسی برخوردارند و در اعمال و گفتار خود در مسایل حساس سیاسی- اجتماعی چون اختلافات قومی و یا مذهبی محتاطانه عمل و ابراز نظر میکنند، تیم های انتخاباتی و عمال وابسته به آنها کمتر به این مسایل توجه کرده تمام وسایل ممکنه را در خدمت رسیدن کاندید مورد نظر خود بقدرت، مورد استفاده قرار میدهند که تقلب نیز جز آنست. در جریان انتخابات دور دوم همه مردم شاهد بودند که چه وسایل چندیش آور ضد اخلاقی و خلاف کرامت انسانی از طرف وابستگان دو کاندید پیشتر مورد استفاده قرار گرفت. نا آگاهی سیاسی، فقر اقتصادی و بیسوادی و نبود تجربه کافی از قوانین بازی، به کاندید ها و تیم های انتخاباتی شان این موقعیت را مساعد میسازد که تا میتوانند با استفاده از افزار غیر قانونی و فریب، توحین و تحقیر و تحریک احساسات اخلاقی، قومی و تباری آرای مردم را به سود خود مورد سوء استفاده قرار دهند.

تقلب در انتخابات اشکال مختلف دارد از خرید رای در برابر پول تا چاپ کارتهای تقلبی و اوراق انتخاباتی دستکاری شده از بردن افراد فاقد حق رای تا دستبرد به صندوقهای رای دهی و... اما شفافیت، کنترل و افشای تقلب که مردم به آن آگاهی پیدا کنند مربوط به ارگانها مسوول انتخاباتی، مانند کمیسیون انتخابات و کمیسیون سمع شکایات انتخابات و سایر ارگانهای فرعیست، که در کار خود تا چه اندازه پابند قوانین اند و با شفافیت و صداقت وظایف خود را انجام میدهند. بیطرف ماندن و عدم مداخله ارگانهای حکومتی در امور انتخابات نیز اصلیت که باید جداً مراعات گردد. اگر این ارگانها با صداقت هم عمل کنند، باز هم نفوذ طرفداران و هواداران کاندید ها در رده های پایینی این ارگانها در صورت عدم کنترل دقیق، میتواند بر روند انتخابات به نفع کاندید مورد نظر شان موثر واقع گردد. چنانکه دیده میشود این عمل بدفعات صورت گرفته است که شای کاندید خود از آن اطلاع هم نداشته باشد.

بمشکل میتوان قبول کرد که در جریان انتخابات امسال فقط یک جانب دست به تقلب زده و طرف دیگر پاک و منزّه است. در کشوری که فساد اداری و رشوه به رکن ششم تبدیل شده است و زیر پا گذاشتن قانون از طرف قانون گذاران و مجریان قانون در دستور روز قرار دارد و طرفداران هردو کاندید در تمام ارگانهای دولت از نفوذ کافی برخوردارند، چگونه میتوانیم قبول کنیم که انتخابات ریاست جمهوری

که در امر رسیدن به قدرت برای قدرتمندان از اهمیت ویژه ای برخوردار است بصورت شفاف و بدون تقلب و بدون مداخله صورت بگیرد؟ بطور نمونه منشی کمیسیون انتخاباتی متهم به تقلب به نفع اشرف غنی شد اما طرف مقابل این امکانات را داشت که حتی مکالمات تلفونی اعضای کمیسیون انتخابات را کنترل کند. تقلب بهر صورت در هر دو جناح وجود دارد اما ممکن است حدود گستردگی آن در میان حریفان بنا بر داشتن امکانات، متفاوت باشد. اما روشن نشدن آن برای مردم، بر علاوه اینکه مربوط به صداقت ارگانهای مربوط است، وابسته به مهارت تقلبکاران نیز میباشد که تا چه اندازه ناشیانه و یا ماهرانه عمل میکنند. چنانکه ادعا میشود کمیسیون انتخابات، کمیسیون سمع شکایات، بخشهای از ارگانهای دولتی و تیم های هر دو رقیب در تقلب سهیم اند. اما تشنه رسوایی یک و یا چند تقلبکار که ناشیانه عمل کرده، بیرون می افتد و آن دیگری که ماهرانه عمل کرده از چشم مردم دور میماند. حالا که پا درمیانی مراجع بین المللی مطرح است، دیده شود که سیاه رویی بیشتر نصیب کدام یک میگردد.

انتخابات و شرکت گسترده ای مردم در آن، با وجود خطرات و تهدیدها جانی خود بیانگر یک حد معین آگاهی سیاسی است اما به هیچ وجه نمیتوان مطمئن بود که آرای داده شده همه آگاهانه و برخاسته از خواستههای سیاسی رای دهندگان است. بدون شک عوامل و انگیزه های مختلف مردم را پای صندوق های رای کشانیده است. اما در شرایط کنونی آنچه برای مردم از همه بیشتر دارای اهمیت است استقرار صلح و تامین امنیت است و اکثریت مردم هم شاید بصورت عمده در محور همین خواست، پای صندوق های رای رفته باشند. اما بسیار غیر واقعبینانه خواهد بود اگر قبول کنیم که کاندیدها و تیم های انتخاباتی آنها با وسایل مختلف این خواسته های نیک مردم به انحراف نکشانیده باشند. یکی از این وسایل خطرناک و غیر مشروع که میتوان گفت خیانت بمنافع ملی کشور بوده و برنامه دشمنان افغانستان را در رابطه تضعیف هرچه بیشتر و حتی تجزیه کشور کمک خواهد کرد. دامن زدن به اختلافات تباری-قومی و مذهبیست. متأسفانه واقعیهای اجتماعی ما تلختر از آنست که نخبگان سیاسی با اتکا به اصل شهروندی، ارزشهای دموکراتیک، کرامت انسانی و احترام به حقوق بشر مردم را بسیج نمایند. برخلاف بازیگران سیاسی تلاش دارند تا با ساده ترین وسایل ممکنه مانند تحریک های قومی، تباری و مذهبی جلب « طرفدار » برای خود نمایند. قابل تردید است که اکثریت این بازیگران که در هر دو تیم وجود دارند خود به این ارزشها احترامی قایل و یا پابند قوانین بازی دموکراسی باشند.

اعلام نتایج مقدماتی انتخابات هنوز نهایی نیست. اگر تیم داکتر عبدالله واقعاً خواستار انتقال صلح آمیز قدرت، صلح و حفظ منافع ملی است بجای اظهارات تند و احساساتی و ادعای اعلان حکومت یک جانبه که به هیچ وجه در شرایط بحرانی موجود به نفع مردم افغانستان و برقراری صلح و ثبات نیست از بایکوت صرف نظر کرده، در شمارش آرا و پاک سازی رای های تقلبی با شرکت دادن نمایندگان خود، با کمیسیون انتخابات و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی همکاری کرده و زیر نظر ناظران بین المللی در تثبیت شمارش آرای پاک و نا پاک سهم بگیرد. در اینصورت است که زمینه یک راه حل قانونی و تفاهم پیدا خواهد شد. در صورت تثبیت تقلب احمد زی که تیم داکتر عبدالله مدعی ارایه اسناد موثق است، او ناگزیر است، فیصله کمیسیون انتخابات، کمیسیون سمع شکایت انتخاباتی و ناظرین بین المللی را قبول و داکتر عبدالله برنده انتخابات خواهد شد. و اگر داکتر عبدالله در ثبوت ادعای خود ناکام شود باید به باخت انتخاباتی خود تن بدهد. در غیر آن اگر ایشان تصور کنند که بدون سهم گیری در این فرآیند میتوانند با اعلام یک حکومت یک طرفه، آرامش و صلح را در کشور تضمین می کنند، مرتکب

بزرگترین خطای سیاسی تاریخی میشوند که جوابگوی عواقب بعدی آنهم خودشان خواهند بود. حکومت‌های های افغانستان طوریکه در بالا به آن اشاره شد تا حال، ایتلافی بوده و میتواند در آینده هم ایتلافی از افراد و گروه های سیاسی باشد، یعنی دوام حکومت متشکله پیترزبرگ آلمان. در اینصورت هم از آبروریزی دو کاندید جلوگیری میشود و هم مردم افغانستان که از جنگ خسته شده اند دیگر قربانی قدرت طلبی نخبگان سیاسی نمیشوند. بهر صورت مردم باید ۴ سال دیگر بخاطر جلوگیری از یک جنگ داخلی خانمانسوز که عده ای هم دارای تجربه کافی در این زمینه هستند، باید بسوزند و بسازند تا جلو تجزیه افغانستان که همسایگان در انتظار آنند، و پیروزی های روز افزون طالبان، گرفته شود. امر مسلم است که در صورت عدم تفاهم و جستجوی یک راه حل مشترک، جامعه در کل به انشعاب کشیده خواهد شد و هیچ یک از کاندید ها ننتها که بخواست مردم افغانستان که در قدم اول صلح و امنیت است جواب گفته نمیتوانند، بلکه قادر به حکومت داری هم نخواهند بود.